

نگاهی نو به طبقه‌بندی استراتژیک مرزها

(با تأکید بر مرزهای ایران)

اثر: دکتر یدالله کریمی پور

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

و دکتر حسن کامران

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۵۵۵ تا ۵۶۸)

چکیده:

مرزها استراتژیکند؛ در واقع مرزها به عنوان نمونه و حتی نماد استراتژیک بودن معرفی می‌شوند. این نوارها، محورهای رویارویی‌های احتمالی بوده و بیشتر برخوردهای محسوس دولت - ملت‌ها در آن جا آشکار می‌شود. ریشه‌های تکوین و تبدیل منطقه سرحدی به خط مرزی، ناپایداری مرزها در طول تاریخ، کارکرد مرزها در همگرا و واگرا نمودن مردم در دو سوی خود و نقش مبادلاتی مرزها، در استراتژیک شدن این نوارها نقش داشته‌اند.

این مقاله ضمن ارایه چارچوب کلی طبقه‌بندی‌های مهم پیشین، در صدد برآمده است تا با استفاده از معیار کارکردهای استراتژیک مرز، طبقه‌بندی نوینی از مرزها ارایه دهد. در عین حال، این پژوهش مدعی است که این طبقه‌بندی، حداقل در مورد مرزهای ایران با همسایگانش انطباق و سازگاری دارد.

واژه‌های کلیدی: مرز، طبقه‌بندی، استراتژیک، تهدید، امنیت.

مقدمه :

نگاهی نو به طبقه‌بندی استراتژیک مرزها (با تأکید بر مرزهای ایران)

در حالی که حداقل تا دهه ۱۹۷۰، ادبیات جغرافیای سیاسی آکنده از مطالعات مربوط به سرحدات و مرزها بود؛ اکنون چنین مطالعاتی بسیار کمتر انجام می‌شود. (مویر، ریچارد، ۱۳۷۹، ص ۲۷۹) به ظاهر علت این پدیده آن است که اولاً "رویکردهای پیکر شناختی در مورد مرزها دیگر مرسوم نیستند و در ثانی محققان گمان می‌برند که هر آنچه ممکن است در مورد سرحدات و مرزها ارزش سخن گفتن داشته باشد، گفته شده است. (همان جا، ص ۲۷)

این در حالی است که تحولات مرزی از آغاز دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲ چنان متعدد و گسترده بوده که مسایل آن تقریاً با تمام قاره‌ها را در بر گرفته است. در واقع روی دادها و تحولات مرزی در بالکان، اروپای شرقی، روسیه، آسیای جنوبی و آفریقا به حدی بوده است که بار دیگر مرزها به ویژه کارکرد آنها مورد توجه جدی کارشناسان قرار گرفته است. اما امروزه و حتی در رویکردهای مطالعاتی پیش از دهه ۷۰ میلادی طبقه‌بندی‌های مرزی براساس ملاک کارکردهای استراتژیک چندان مورد توجه قرار نگرفته است. لذا توجه به طبقه‌بندی‌های استراتژیک این خط‌ها یا نوارها که بیشترین حساسیت و دلمشغولی دولت‌ها را جلب و جذب کرده است، ضروری است.

روش بررسی

روش اصلی این مطالعه، تحلیلی - توصیفی و برپایه داده‌های کتابخانه‌ای است. شناسایی و گردآوری منابع، فیش برداری از محورهای مهم و مورد نظر، تنظیم داده‌ها،

تجزیه و تحلیل اطلاعات و در نهایت ارائه دیدگاهی جدید در مورد طبقه‌بندی

های مرزی، پس از نقد طبقه‌بندی‌های پیشین، مراحل مختلف و اساسی این پژوهش بوده‌اند.

نگاهی به طبقه‌بندی‌های مرز

با وجود این که به عقیده دو تن از محترم‌ترین نویسندگان در باره مرزهای بین‌الملل، طبقه‌بندی‌های مرزی ارزش‌جندانی ندارند، چون هر مرز در نوع خود منحصر به فرد است و اغلب پیچیدگی آن مانع از این می‌شود که تحت یک طبقه‌بندی ساده قرار گیرند؛ (در ایسدل و بلیک، ۱۳۷۰ ص ۱۰۶) بیشتر جغرافیدانهای سیاسی طبقه‌بندی‌هایی از مرز ارایه داده و یا از طبقه‌بندی ویژه‌ای دفاع کرده‌اند.

باگز برحسب شکل، چهار نوع مرز پیشنهاد می‌کند: فیزی و گرافی، انسانی، هندسی و ترکیبی. (همان‌جا، ص ۱۰۸) هارتشورن دیز براساس رابطه مرز و چشم‌اندازهای فرهنگی، طبقه‌بندی پنجگانه‌ای به شرح زیر از مرز ارایه کرده است:

- ۱- مرزهای پیشتاز که در مناطق کاملاً غیر مسکون ترسیم می‌شوند؛
- ۲- مرزهای قبل از اسکان که قبل از استقرار متکاثف انسان‌ها و قبل از شکل‌گیری بخش اعظم چشم‌اندازهای فرهنگی بر روی زمین پیاده می‌شوند؛
- ۳- مرزهای تطبیقی که هماهنگ و مطابق با الگوهای فرهنگی تعیین می‌شوند؛
- ۴- مرزهای تحمیلی که بدون توجه به سیمای فرهنگی ترسیم می‌شوند؛
- ۵- مرزهای متروکه که به علت بی اعتبار بودن از اهمیت کمتری برخوردارند، ولی اثرات آن‌ها هنوز در چشم‌انداز نمایان است. (همان‌جا، ص ۱۱۰)

ایراد مهم این طبقه‌بندی‌ها، توجه اندک به کارکرد یا نقش استراتژیک مرزها است. به عنوان نمونه، مرزها علاوه بر این که محدودکننده حرکت آزادانه مردم و کالاها هستند، در تحرکات آفندی و پدافندی دیر، "اصل قابلیت" را تحت تأثیر قرار می‌دهند (کالینز، جان ام، ۱۳۷۰، ص ۳۱۸) چنانچه ممنوعیت سیاسی عبور دادن ذیروهای نظامی از مرزها، مانع عمده‌ای برای تعقیب مخالفان مسلح دولت‌ها تا درون خاک

کشور همسایه است. چنانچه هم اکنون گرده‌های متعددی در شمال آسیای جنوبی (کشمیر)، شمال آمریکای جنوبی، بالکان، آسیای میانه، خاورمیانه و آفریقا، با استفاده از این مزیت، پناهگاه امنی برای خود در کشورهای همجوار یافته‌اند.

جغرافیدانان سیاسی علاقمند به مرز، با درک این ضعف، یعنی مدّ نظر قرار نگرفتن کارکردهای استراتژیک در طبقه‌بندی‌های مرزی، سعی در ارائه طبقه‌بندی‌هایی از مرز براساس کارکردهای آن داشته‌اند؛ اما این گروه بندی‌ها ذیز به دلیل غفلت از جنبه‌های نظامی و دفاعی، چندان موفق نبوده‌اند. در سال‌های اخیر، جغرافیدانان مشهوری چون پرسکات، تلاش کرده‌اند، در طراحی‌های جدید خود نسبت به مرز، از جمله در مورد پدیده‌های تغییر و تحول مرزها و عملکرد دولت‌ها، به عملکردهای استراتژیک مرز ذیز توجه نشان دهند، (J.R.V.Prescott, 1987) اما هرگز، از عهده طبقه‌بندی ویژه‌ای براساس ملاک‌های استراتژیک بر نیامده‌اند.

مدخلی بر ملاک‌های طبقه‌بندی استراتژیک مرزها

نخستین گام برای دستیابی به ملاک‌های معتبر برای طبقه‌بندی استراتژیک مرزها ریشه‌یابی و فهم استراتژیک مرز در فرهنگ سیاسی است. مرزب عنوان خط یا نوار جدا سازنده دولت - ملت‌ها، محصول تمدن جدید است. به این معنی که تا پیش از قرن هفده میلادی، مرز به معنای نوار جداکننده دولت - ملت‌ها، کمتر قابل لمس بود. در حالی که این پدیدار امروزه به عنوان واقعیتهای انکار ناپذیر در کانون توجه دولت‌ها است. به هر حال عوامل زیرزمینه استراتژیک شدن مرزها را مهیا ساخته است:

۱- ریشه‌های تکوین

تکوین مفهوم مرز به عنوان نوار یا خطی که امروزه در شکل‌های طبیعی

(رودخانه‌ها، ستیغ کوه‌ها، مرداب‌ها و...) و مصنوعی (سیم‌های خاردار، خندق‌ها، کانال‌ها، دیوارها و...) دیده می‌شود، تا حدود زیادی تحت تأثیر تحول در تکنولوژی جنگ و دفاع است. در واقع مسلح شدن ارتش‌ها به سلاح‌های آتشین منحنی زن، کارکرد استحکامات دفاعی شهرها از جمله برج و باروها را در برابر این نوع هجوم، بی اعتبار ساخت. این تحول تکنولوژیک که در آغاز در قالب اختراع توپ‌ها خود رانشان داد، در اروپا، زمینه توافق ماهوی دولت‌ها برای دور کردن این هدف‌ها (کانون‌های شهری) از برد سلاح‌های جدید را فراهم آورد.

(S.B.Jones, 1945,P53)

در عین حال تحولات اقتصادی، از جمله اهمیت روز افزون منابع طبیعی تجدید ناپذیر و پافشاری دولت‌ها برای بهره‌گیری انحصاری از سرزمین ملی و در نتیجه محدود نمودن قلمرو تحت حاکمیتشان، دیگر بسترهای تبدیل منطقه مرزی به خط مرزی بود. حتی تحول حقوق بین‌الملل، ذیز تا حدود زیادی، تحت تأثیر تحولات سیاسی - نظامی و اقتصادی مذکور بود. نتیجه این دگرگونی‌ها، دستیابی به تعریف جدیدی از سرزمین دولت به عنوان: "محدود اعمال واقعی حکومت" بود. (قاضی ابوالفضل، ۱۳۷۱، ص ۲۱۵) در واقع از زمانی که دولت‌ها بنا برخواست ملت‌ها به وجود آمدند، مرز مفهوم امروزی خود را یافت و منطقه سرحدی جای خود را به خط مرزی داد. ازدیاد روز افزون جمعیت و ذیاز فزاینده مردم به منابع طبیعی موجب شد که دولت‌ها در علامت‌گذاری دقت کنند و مرزها تا حد ممکن کمترین فضا را اشغال کنند. (میر حیدر، ذره، ۱۳۵۷، ص ۱۴۳)

۲- مرز آینه دشمنی‌ها و دوستی‌ها

سرشت روابط دولت - ملت‌ها از چگونگی و میزان تعاملات مرزی آن‌ها مشخص می‌شود. نزخ حضور ذیروهای انتظامی و نظامی یا برعکس نرخ تراکم و فشرده‌گی تأسیسات تجاری و اقتصادی در سرحدات، پژواکی از نوع روابط دو کشور

همسایه است. در واقع مرز را می‌توان به آینه‌ای تشبیه نمود که منعکس سازنده دوستی‌ها و دشمنی‌های دولت - ملت‌ها است.

۳- ناپایداری مرزها

سال‌ها است که اصطلاح مرزهای طبیعی که به ظاهر نمادی برای پایداری و ثبات مرز و در عین حال مفهومی در برگیرنده علاقه برخی دولت‌ها بود، مردود شمرده شده است. در واقع دولت‌های کوچک با استفاده از این مفهوم قصد داشتند سرزمین ملی خود را از دست اندازی همسایگان و قدرت‌های بزرگتر حفظ کنند و برعکس قدرت‌های برتر با دست‌یازی به این مفهوم در صدد دستیابی به مرزهای مورد نظر خود خوانده بودند. این در حالی است که مرزها، در معرض دگرگونی‌های پی‌در پی و بدون وقفه بوده‌اند.

تحولات گسترده در سیاست بین‌الملل به ویژه تغییر جغرافیایی قطب‌های قدرت جهانی و فرا منطقه‌ای به طور معمول، موجب برهم خوردن موازنه‌های قدرت در سطح مناطق سیاسی جهان و ذیر ایجاد زمینه‌های نوین شده و در نتیجه باعث دگرگونی در شکل و نوع مرزها می‌شود (J.R.V, Prescott, 1975, P 22). در واقع مرزها در بیشتر نقاط جهان همواره در حال دگرگونی بوده‌اند.

۴- مرزها: همگرایی و واگرایی

مرزهای بین‌الملل مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر است. در ضمن وجود همین خطوط است که وحدت سیاسی را در یک سرزمین که ممکن است فاقد هرگونه وحدت طبیعی یا انسانی باشد، ممکن می‌سازد (میر حیدر، دُرّه، ۱۳۷۵، ص ۵۵) در واقع مرزها به دلیل این که محدود کنند فضایی اعمال حاکمیت و حرکت‌ها در دوسوی خود هستند، مهمترین ابزار دولت‌ها برای همگن‌سازی و مشابه‌سازی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شهروندان

به شمار می‌روند. براساس همین سرشت است که دولت‌ها برای ایجاد یا تقویت هویت ملی، به تصمیم‌سازی‌های کلان دست می‌زنند. مخالفت کمتر مؤثر برخی از دولت‌ها با ورود غیرگزینشی امواج (رادبویی، تلویزیونی یا ماهواره‌ای)، در واقع ناشی از برخورد و رویارویی با کسانی است که در صدد، سهم‌شدن در این وظیفه دولت‌هایند. (کریمی پور، ۱۳۷۶، ص ۱۳۵) به هر حال، مرز با نقش ماهوی خود که محدود سازی حرکت‌ها و وظیفه‌های دولت‌ها در چارچوب جغرافیایی تعریف شده‌ای است، نقشی کاملاً "استراتژیک در همگرایی‌های ملی و همگن سازی و برعکس جدا ساختن ملت‌ها ایفا می‌کند.

۵- نوار مبادلاتی

مرزها در عین حال نوارهای محوری برای تبادل کالاها و مردم‌اند. این ویژگی در جهت کاهش اثر تنش‌ها عمل می‌کند. جدارهای مرزی همان‌گونه که به دلیل سرشت و ماهیتشان، موجب جلب و جذب نهادهای نظامی و انتظامی به سوی خود می‌شوند، کشتش شگفت‌انگیزی برای کشاندن تأسیسات اقتصادی و گمرکی به سوی خود دارند. مرزها، همچنین افرادی نظیر جمعیت مرز نشین، پبله‌وران و بازرگانان را که سعی دارند با عبور از این خط منافی کسب کنند، جذب می‌کند. همین نقش ماهوی به ویژه از ۱۹۷۰ تاکنون در مقیاس جهانی، در جهت تنش‌زدایی و برای فروکش کردن بحران‌ها به شدت مؤثر بوده‌اند. (همان جا، ص ۱۴۶)

در مجموع، مرزها به دلیل این که نخستین محورهایی هستند که جنگ‌های کم‌شدت و تمام‌عیار را لمس می‌کنند و دیز به دلیل آن که جدارهای مرزی پناهگاه یا محل تردد موقت یا دائمی مخالفین دولت‌ها، قاچاقچیان و فراریانند، در کانون توجه دوفت‌ها بوده و بنابراین استراتژیک‌کنند. به همین جهت، در طبقه‌بندی‌های مرزی، ملاک‌ها و معیارهای استراتژیک، باید مبنای اصلی گروه‌بندی‌ها باشند.

طبقه بندی استراتژیک مرزهای بین الملل

براساس چهار ملاک، تعداد و نوع اختلاف ها و دشمنی های آشکار و پنهان در دو سوی مرزها، تعداد و ابعاد جنگ های کم شدت و تمام عیار و تحرکات چریکی، میزان تعاملات و تبادلات تجاری و اقتصادی و بالاخره همگنی ها و ناهمگنی های قومی، فرهنگی و مذهبی، مرزهای بین المللی را می توان به گروه های کلی زیر تقسیم نمود. لازم به یاد آوری است که هر گروه کلی می تواند چند گروه کوچکتر را در خود جای دهد.

۱- مرزهای امن

شامل مرزهایی است که دولت - ملت های برادر، دوست یا متحد را از یکدیگر جدا می کند. دولت - ملت هایی که در دو سوئ یا در اطراف این مرزها هستند، نه تنها واهمه ای از تهدید طرف مقابل ندارند بلکه انتظار همدلی و همکاری بین آن ها قابل پیش بینی است. همگنی های زبانی، مذهبی، قومی و تاریخی و یا ذیازهای متقابل، زمینه ها و بستری برای بلوغ مرز مهیا ساخته اند. این مرزها بسیار نفوذ پذیر بوده و محدودیت های ناچیزی بر روی رفت و آمد مردم، تبادل کالا و تعامل عقاید و فرهنگ در دوسوی مرز اعمال می گردد. این نوع مرزها که به تعبیری در شمار مرزهای رو به زوال اند (همان جا، ص ۱۴۱)، به چند گروه زیر تقسیم می شوند:

الف - مرز امن متحدین تاریخی

مرزی است که دو یا چند دولت - ملت با فرهنگ، زبان، مذهب و به ویژه دارای ساختار سیاسی - اقتصادی مشابه را از یکدیگر جدا می سازد. در عین حال در صد سال اخیر نه تنها بین دولت های واقع در دو سوی این نوع مرز نبردی روی نداده است، بلکه امکان تیرگی روابط بین آن ها و در نتیجه ناامن شدن فضای حاکم بر مرز غیر متحمل است. از سوی دیگر، جنگ های کم شدت و تحرکات چریکی

در حاشیه این نوع مرزها به چشم نمی خورد. مرزهای ایالات متحده آمریکا و کانادا، فرانسه - بلژیک و استرالیا - زلاندنو، در شمار این مرزهایند. هیچ یک از مرزهای جمهوری اسلامی در این گروه جای نمی گیرند.

ب - مرز امن متحدین استراتژیک

دولت - ملت هایی که در دو سوی اطراف این نوع مرز اند، ممکن است از نظر معیارهای فرهنگی ، مذهبی و زبانی همگن نباشند؛ حتی ممکن است در گذشته دیز نبردهای طولانی و تمام عتباری بین آن ها رخ داده باشد، اما در حال حاضر براساس علایق و منافع مشترک ، چنان پیوندی بین آن ها برقرار است که به متحدین استراتژیک تبدیل شده اند. در واقع ذیاز های متقابل ، ساختارهای مشابه سیاسی اقتصادی، دیدگاه های ژئوپلتیک و علایق و منافع مشترک، انگیزه های قدرتمندی را برای تفاهم و حتی اتحاد استراتژیک مابین آن ها مهیا کرده است . این نوع مرزها را به دلیل فضای آرام و دیرینه حاکم بر آن ها می توان مرزهای صلح و دوستی نامید. در عین حال در جدارهای این نوع مرزها، هیچ گونه تحرکات خشونت آمیز پایدار دیده نمی شود. بیشتر مرزهای کشورها اروپای غربی و دیز مرزهای چین - کره شماری ، روسیه - مغولستان، برزیل - اروگوئه و تایلند - مالزی در شمار این گونه مرزها به شمار می آیند. هیچ یک از مرزهای ایران با پانزده دولت همسایه در این گروه جای ندارند. (کریمی پور، ۱۳۸۰)

۲- مرز تهدیدهای استراتژیک

این نوع مرز از نظر عملکرد، نقطه مقابل مرز امن است؛ به عبارت روشن تر؛ فضای حاکم بر مرز تهدیدهای استراتژیک، فضایی رقابت آمیز است و همسایگان هیچ گاه احساس امنیت دایم نسبت به مقاصد یکدیگر ندارند. شَبیح جنگ تمام عیار یا کم شدت همواره بر جدار مرز حاکم بوده و جمعیت مرز نشین نسبت ب آغاز

مجدد درگیری در بیم و هراس به سر می‌برند. مرز تهدید های استراتژیک براساس شدت و نرخ و میزان تجربه تهدیدها، سابقه درگیری ها و جنگ ها و کمیت و نوع زمینه های رویا رویی های احتمالی همسایگان، به دو گروه تقسیم می‌شود:

الف - مرز تهدید تاریخی

سابقه و طول مدت رویا رویی ها، درگیری ها، برخوردها و جنگ های تمام عیار و کم شدت، در اطراف این مرز ها به حدی بوده است که هر نوع تحرک نظامی در جدارهای شان، شبح آغاز بحران یا جنگ را برای جمعیت مرز نشین تداعی می‌نماید. البته ممکن است این نوع مرزها برای سال های طولانی، جنگ و یا برخورد قهری را تجربه نکرده باشند، اما حتی چنین وضعی به معنای آرامش دائمی نیست. اختلاف های عمیق، دیرینه و حل نشده مکانی، ارضی، ایدئولوژیک و قوم گرایانه، تداخل ها و درهم آمیختگی ها و امتداد های قومی - مذهبی در دوسوی مرز و تضاد علائق و منافع استراتژیک، بخشی از دلایل شکل گیری چنین مرزهایی هستند. (Gellner, E 1983, P 137) این مرزها را می‌توان به مرزهای جنگ دیز تعبیر نمود.

مرزهای هند - پاکستان، یونان - ترکیه، اسرائیل بالبنان، اردن، سوریه و مصر، ارمنستان - آذربایجان و عراق - کویت، در شمار مرزهای مشهور تهدید تاریخی یا جنگ‌اند. مرزهای سابق ایران - اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و روسیه تزاری و ایران - عثمانی، در شمار این گونه مرزها بودند.

مرز تهدید استراتژیک

تفاوت این نوع مرز با مرز تهدید تاریخی (جنگ)، ظرفی، حساس و درک آن برای دولت‌ها ارزشمند است. گستره اختلاف در مرز جنگ یا تهدید تاریخی از سطح دولت‌ها گذشته و به ملت‌ها رسیده است، به عبارت دیگر عبور از جدار

مرزی و اشتغال تمام یا بخشی از سرزمین دولت همسایه جزو طرح‌های دراز مدت دولت - ملت‌ها بوده و در حافظه تاریخی آنها جای دارد، در حالی که در مرز تهدید استراتژیک، دشمنی‌ها و اختلاف‌ها، مختص دولت و به ویژه رژیم‌های حاکم بر آنهاست.

مرزهای ایران - عراق نمونه جالبی در این زمینه‌اند. اختلاف‌های مرزی ایران - عراق سال‌ها پیش از ۱۹۶۰ دیز و جود داشت، اما نه تنها برای حل و فصل آنها جنگی و صورت نگرفت، بلکه دو کشور در مسیر اتحاد استراتژیک گام‌های مؤثری برداشتند، در حالی که پس از جایگزینی رژیم سلطنتی به جمهوری و سپس جمهوری شیعی، رویارویی‌ها بر سر اختلاف‌های مرزی تشدید و در نهایت موجب جنگی طولانی شد. (جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۷۱، ص ۵) فضای حاکم بر مرزهای چون - تاویوان، چین، ویتنام و ترکیه - سوریه در شمار این نوع مرزهایند.

۳- مرز تهدید موضعی

با وجودی که امکان وقوع جنگ تمام عیار در جدار این مرزها به دلایل گوناگون، مانند تفاهم‌های تاریخی و استراتژیک ناچیز و متممادی به صفر است، اما همواره جدار مرزی در مقیاس محدود، محلی و موضعی ناامن است.

د رواقع مرز تهدید موضعی، مرزی است که فضای حاکم بر آن به دلیل تردد غیر قانونی مردم - کالا یا استفاده ناراضیان، عبور کاروان‌ها یا محموله‌های مواد مخدر، تردد مستمر اشرار، جاسوسی، و... ناامن است؛ اما با وجود این، دو دولت همجوار مایل به رویارویی قهری با یکدیگر برای حل و فصل آن‌ها نیستند. مرز ایران - پاکستان نمونه جالبی در این زمینه است. (کریمی پور، ۱۳۸۰، صص ۱۶۳-۱۶۱)

تفاهم استراتژیک دولت‌ها، شرایط ویژه جغرافیایی از جمله دور بودن و در حاشیه بودن این مناطق مرز از هسته‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌ها، همبستگی‌ها و همگنی‌های قومی، فرهنگی و مذهبی جمعیت در دو سوی مرز، تفوت

شدید قیمت کالاها در دو کشور، عملکرد ناچیز مبادلات تجاری رسمی، نوع و میزان و تفاوت اختیارات مأموران محلی در دو سوی مرز و تفاوتی که در نگاه دولت‌ها به این نوع مرز وجود دارد، چشم‌انداز پیچیده مبهم و گیج‌کننده‌ای را به وجود آورده که به سختی قابل درک است.

با وجود این که این نوع مرزها به صورت دائمی تهدید را تجربه می‌کنند، اما این تهدیدها، دولت‌ها را وادار به کنش یا واکنش تند علیه یکدیگر وادار نمی‌سازد. علاوه بر مرزهای ایران - پاکستان، مرزهای ایران - افغانستان و ایران - ترکیه نیز دارای چنین خصوصیتی اند. (کریمی پور، ۱۳۸۰، صص ۷۳ و ۱۵۸) هم چنین مرزهای ایالات متحده با مکزیک و بیشتر مرزهای اروپای شرقی در شمار مرزهای تهدید موضعی اند.

۴- مرز تهدید های ترکیبی

مرزهایی هستند که علاوه بر تهدیدهای تاریخی، انواع تهدیدهای استراتژیک و موضعی را دیز تجربه کرده‌اند. فضای حاکم بر این نوع مرزها، کاملاً "رقابت آمیز است و از این نظر در شمار بدترین و پرتنش ترین نوع مرزها به شمار می‌روند. مرزهای فدراتی و روسیه و جمهوری های تازه استقلال یافته قفقاز و آسیای میانه به ویژه جمهوری آذربایجان و گرجستان (امیر احمدی، بهرام، ۱۳۷۵) در شمار مرز تهدیدهای ترکیه‌اند.

۵- مرز بدون تحرک یا ایستا

مرزهایی که به دلیل شرایط جغرافیایی از جمله ویژگی های صحرائی، جنگلی، مردابی، باتلاقی یا قطبی، تراکم نسبی جمعیت در جدارشان نزدیک به صفر است، فضایی بدون تحرک و یا بسیار کمتر تحرک را در اطراف خود تجربه می‌کنند. این گونه مرزها که در قاموس جغرافیای سیاسی به سرحدات تفکیکی موسومند (آلسدایر

و بلیک، ۱۳۷۰، ص ۱۰۲)، از چنان چشم‌انداز طبیعی یا جمعیتی خالی و خلوتی برخوردارند که دولت‌های همجوار حتی در صورت دشمنی متقابل، حاضر به استفاده و عبور از آن‌ها برای عملی کردن تهدیدهای خود نیستند. در واقع شرایط جغرافیایی، قدرت مانور محسوس و فعال را از دولت‌های دو سوی مرز سلب نموده است. بنابراین شرایط جغرافیایی موجب ایجاد صلح و آرامش خواسته یا ناخواسته در جدارهای این گونه مرزها شده است. مرزهای کشورهای شمال آفریقا و آفریقای ساوان، بهترین نمونه‌های مرزهای کم تحرک‌اند.

(Africa Resaerch, 2000,P 76)

نتیجه:

مرزهای بین‌المللی تنها یک خط یا نوار محسوب می‌شوند؛ این خط زمانی که مورد تردد بودن مجوز قرار می‌گیرد، نظر بخش‌ها و سطوح گوناگون دولت را جلب می‌نماید. شکسته شدن این خط از سوی قوای استراتژی یک کشورها، شدیدترین واکنش‌های دولت در بالاترین سطح را موجب می‌شود؛ اما آنگاه که عبور غیر مجاز از مرز، غیر قهری و یا کمتر استراتژیک باشد، برخورد دولت نسبت به آن متفاوت خواهد بود. به عنوان نمونه زمانی که تردهای غیر مجاز روزانه اتباع صورت می‌پذیرد، واکنش‌های دولت حداکثر دارای مقیاس محلی است.

در مجموع، قشر نازک مرز از نظرگاه حکومت حساس و محل تجمع و تراکم سیستم‌های عصبی ملی است. بنابراین دولت‌ها وظیفه دارند به اعتبار رابطه مستقیم امکانات و تهدیدات، به طبقه‌بندی مرزهای شان بپردازند. در واقع نوع مرز به اعتبار کنش آن به طور معمول واکنش مناسب دولت را باعث می‌شود. مرزی که منشاء تهدیدات استراتژیک است، موجب جذب بیشترین قوای استراتژیک دفاعی دولت را مهیا می‌سازد، در حالی که مرز با ماهیت تهدید موضعی، می‌بایست زمینه‌های تراکم گارد مرزی را فراهم آورد. این در حالی است که بیشتر دولت‌ها با توجه به امکانات محدود، قادر به تراکم یکسان و فشرده در تمام مرزهای شان

ذیستند و در عین حال ضرورتی برای چنین عملی ذیز وجود ندارد. همین مسأله ضرورت طبقه‌بندی مرزهای دولت را فراهم می نماید.

منابع:

- ۱- امیر احمدی، بهرام؛ جغرافیای قفقاز، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۵.
- ۲- جعفری ولدانی، اصغر؛ بررسی تاریخی اختلاف های مرزی ایران و عراق، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۳- جعفری ولدانی، اصغر؛ کانون های بحران در خلیج فارس، کیهان، ۱۳۷۱.
- ۴- در ایسدل و بلیک، آلسدایر و جرالداچ؛ جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، دُره میر حیدر (مهاجرانی)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۵- قاضی، ابوالفضل؛ حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- ۶- کالینز، جان ام؛ استراتژی بزرگ، کوروش بایندر؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۷- کریمی پور، یدالله؛ روش شناخت مناطق استراتژیک، پژوهش پایه‌ای، مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۸- کریمی پور، یدالله؛ مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم T تهران، ۱۳۸۰.
- ۹- میر حیدری (مهاجرانی)، دُره، اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۵.
- 10- Afruca researcg 2000. Africa research bulletin political social and culturalseries,Vols cult 37 . Exeter: Africa research.
- 11- Jones, S.B. Boundary - Making : A handbook for statesman. treaty editors and Boundary commissioners. (Washington, DC: Carnegie endowment for internet iona peace 1945)
- 12- J.R.V. Prescott ;Map of main land Asia treaty. (Melbounurne:Melbourne university press.1972).
- 13- J.R.V. Prescott; Political frontiers and boundaries,(London: Unwin Hyman, 1987).
- 14- J.R.V. Prescott; The Geography of frontiers and Boundaries. (London; Hutchinson.1965).